

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: تفسیر سوره بقره
موضوع جزئی: آیه ۲۲_ بخش سوم (و انزل من السماء ماء...)
تاریخ: ۱۴ اسفند ۱۳۹۶
مصادف با: ۱۶ جمادی الثانی ۱۴۳۹
جلسه: ۴۲

﴿الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین﴾

عرض کردیم در آیه ۲۲ چند بخش قابل بحث است، در جلسات گذشته درباره دو بخش از این آیه مطالبی را ارائه کردیم، بخش اول «الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا» و بخش دوم «وَالسَّمَاءَ بِنَاءً» بود.

بخش سوم آیه: «وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ»

این بخش از آیه درباره باران و آثاری است که در کره زمین برجای می‌گذارد، چون مفاد آیه بیست و دوم تبیین ربوبیت خداوند در قالب نمونه‌هایی از نعمت‌های ظاهری خداوند است، در این آیه و آیه قبل اصول کلی نعمت‌های ظاهری را بیان کرده است یعنی خلق و ایجاد انسان و کره زمین و فراش بودن کره زمین برای بشر و نزول باران و ماء و ثمراتی که در اثر نزول باران نصیب انسان و سایر موجودات در این کره خاکی می‌شود. لذا در این بخش می‌فرماید: خداوند از آسمان آب را نازل کرد و سپس به وسیله این آب ثمرات و نتایج و میوه‌ها و حاصل‌هایی را از زمین خارج کرد و آنها را به عنوان رزق برای شما قرار داد.

وجه تکرار کلمه «سما»

علت اینکه در بخش سوم کلمه «سما» دوباره تکرار شده، درحالی که می‌توانست ضمیر بیاورد، این است که چه بسا معنای این «سما» با «سما» در بخش دوم آیه متفاوت است، در بخش دوم آیه فرمود «والسما بناء»، ما عرض کردیم سما چند معنا دارد ولی اینها یک قدر جامع دارند، هر چیزی که در بالا و در مرتبه عالی و فوق قرار دارد به آن سما و آسمان گفته می‌شود، منتهی «سما» در بخش دوم به معنای جو اطراف زمین است و خداوند فرمود ما این را به عنوان سقف برای زمین قرار دادیم، اما «سما» در اینجا به معنای جایگاه ابرها می‌باشد، بالاخره سما دارای مراتبی است، آسمان یک خانه سقف خانه است، آسمان یک شهر هوا و فضایی است که بالای آن شهر است، مثلا می‌گویند آسمان تهران آلوده است، این مرتبه ای از مراتب فوق را در بر می‌گیرد و شامل کل ایران نمی‌شود، در اینجا هم سما به معنای جایگاه ابرها و محل ریزش باران است، پس معنای «سما» در بخش سوم با معنای آن در بخش دوم متفاوت است. هر چند قدر جامع هم دارند، و لذا به همین جهت سما را تکرار کرده است و ضمیر به جای آن نیاورده است، یعنی می‌توانست بگوید «و انزل منه ماء» اما فرمود «و انزل من السماء ماء» این به خاطر تفاوت معنایی کلمه «سما» در دو بخش این آیه است.

معنای «ماء»

در مورد «ماء» بحث بسیار است، پیرامون اهمیت و نقش آن در حیات، چه حیات انسانی و چه حیات نباتی و حتی در حیات جمادات، تاثیراتی که آب روی جمادات دارد هم قابل انکار نیست، بر همین اساس است که در قرآن می‌فرماید «وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا»^۱.

^۱ . سوره انبیاء، آیه ۳۰.

به هر حال خداوند می‌فرماید: از آسمان آب را نازل کردیم، این یک نعمت مهمی است، چون منشاء حیات انسان و حیوان و نبات و جماد است، برای همین هم در بین نعمت‌ها، بعد از کره زمین که محل استراحت و سکونت و زندگی انسان است به مسئله آب اشاره کرد. ان قلت: سوال این است که در این آیه می‌گوید آب از آسمان نازل شد، در حالی که ما اگر دقت کنیم، ریشه و منشاء آب در آسمان نمی‌باشد، آب‌هایی که در سطح زمین وجود دارد به صورت بخار که ناشی از تابش نور آفتاب است به آسمان متصاعد می‌شود و وقتی این بخارها به آسمان می‌روند و این رطوبت‌ها تبدیل به ابر می‌شوند و سرد می‌شوند، آنوقت مجدداً به صورت آب بر زمین نازل می‌شوند، پس چرا منشاء و ریشه آب را آسمان قرار داد درحالی که ریشه و منشاء آن کره زمین است؟

قلت: در اینجا جوهری برای پاسخ به این سوال ذکر شده که بنظر می‌رسد دو وجه از سایر وجوه مهم‌تر و قابل توجه است:

۱. یک وجه این است که بگوییم چون ابرها در آسمان هستند و باران از ابر می‌بارد به همین جهت تعبیر به سماء کرده است، یعنی بالاخره ما با قطع نظر از ریشه تکون ابر و اینکه ناشی از بخار آبهایی است که در سطح زمین وجود دارد، بالاخره در آن مرحله آب از ابرها بصورت قطرات ریز نازل می‌شود و به زمین می‌آید و چون ابرها فوق انسان و در مرتبه بالای انسان قرار دارند به همین جهت تعبیر به سماء کرده است.

۲. به این دلیل که چون بخارات در آسمان تبدیل به آب می‌شوند، لذا فرموده اند «مِنَ السَّمَاءِ مَاءٌ».

روایتی هم از امام سجاده (ع) در این رابطه داریم که در تفسیر آیه اشاره به نزول آب از آسمان کرده است. ایشان می‌فرماید: خداوند باران را از آسمان نازل می‌کند تا به تمام سطوح زمین برسد، از قله‌ها و کوه‌ها و تپه‌ها گرفته تا نقاط پست زمین، گودال‌ها و چاله‌ها، پس علت اینکه باران از آسمان نازل می‌شود این است که آب هم به نقاط هموار و هم به نقاط مرتفع و هم به نقاط پست برسد و هر موجودی که در این نقاط زندگی می‌کند سیراب شود، و خداوند باران را دانه دانه و پی در پی و نرم و گاهی به صورت دانه‌های درشت و گاهی بصورت قطره‌های کوچک نازل می‌کند تا اینها در زمین فرو بروند و ذخیره شوند، اگر قرار بود به صورت سیلاب و یکباره مثل لوله‌های بزرگی که آب را پیوسته و متصل از جایی به جایی هدایت می‌کنند نازل شود، همه چیز را در زمین از بین می‌بردند، ولی خداوند اینها را به این شکل نازل کرد، پس در این روایت هم اشاره به نزول باران از ارتفاع بالا شده و حکمت آن را هم بیان کرده است.

بخش چهارم آیه: «فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ»

در ادامه این آیه می‌فرماید «فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ»، پس به سبب این ماء خداوند ثمراتی را اخراج کرد که رزق برای شما باشند، معنای اخراج که معلوم است.

اسناد اخراج به خداوند

مسئله این اسم که اخراج اسناد به خداوند داده شده است، که خداوند این آب را اخراج کرد، یعنی علت العلل و مسبب الاسباب در این نظام خداوند است، چنانچه نزول باران را به خداوند اسناد داده است، بعد از آنکه خلق و ایجاد هم به خدا نسبت داده شد، «الذی خلقکم و الذین من قبلکم»، پس از آن قرار دادن زمین به عنوان فراش هم به خداوند نسبت داده شد، نزول آب از آسمان هم به خدا نسبت داده شد، خروج ثمرات نیز به خدا نسبت داده شد، این اسناد به خاطر این است که ریشه و نظام علی و معلولی در این عالم خداست، خداست که به سبب

۱. نور الثقلین، ج ۱، ص ۴۱.

باران ثمرات را اخراج کرد، منتهی خداوند همه امور را از طریق اسباب و مسببات صورت می‌دهد، ولی طبق بعضی از انظار مشکلی نیست خداوند مستقیماً این تاثیرگذاری را داشته باشد یا از طریق وسائلی این امور را سامان دهد، البته در این که خداوند بدون واسطه بخواهد این تاثیرگذاری را داشته باشد طبق نظر بعضی از اهل تحقیق خالی از اشکال نیست، نه از باب اینکه خدا نمی‌تواند، بلکه از باب اینکه در رتبه‌های پایین قابلیت تاثیر پذیری وجود ندارد.

علی‌ای حال «باء» در این آیه بآء سببیت است و اینکه میفرماید به سبب این ماء ثمرات را اخراج کرد، در حقیقت اشاره به نظام علی و معلولی و واسطه‌هایی که در این نظام تاثیرگذار هستند می‌کند، پس هم اصل علیت خداوند نسبت به همه این امور را بیان می‌کند و هم به علل و عوامل مادی آن اشاره می‌کند، یعنی اینکه ثمرات در اختیار شما به عنوان رزق قرار گرفته به خاطر آبی است که از آسمان فرود آمده است، اگر این آب نبود پرورش گیاهان و رویش میوه‌ها ممکن نبود. به هر حال می‌خواهد به این نکته اشاره کند که همه آنچه در این عالم است مخلوق خداوند است، آسمان و آبی که از آسمان نازل می‌شود و تاثیراتی که این آب و باران فرود آمده بر زمین دارد اینها همه در قالب همان بیان ربوبیت خداوند نسبت به اصول نعمت‌های ظاهری است.

معنای «ثمرات»

«ثمرات» جمع ثمره است و ثمره به هر چیزی گفته می‌شود که از چیز دیگر حاصل شود، به فرزند ثمره عمر گفته می‌شود، به میوه‌ای که یک باغ می‌دهد ثمره گفته می‌شود، به محصولی که زمین کشاورزی می‌دهد ثمره گفته می‌شود، در هر زمینه‌ای به آنچه که ما حاصل آن شیئی و کار است، ثمره گفته می‌شود، در قرآن هم ثمره بر انواع میوه‌های درختان و محصول بوته‌ها، و باغها، محصولات کشاورزی، اطلاق شده است، وقتی میفرماید «ثُمَّ كُلِي مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ»^۱، معنایش این است که هر آنچه که عنوان حاصل یک شیئی دیگر است و می‌توان خورد از آن می‌توانید بخورید، پس خداوند به سبب آب این ثمرات را اخراج می‌کند و البته این ثمره را به عنوان رزق معرفی می‌کند، «فاخرج به من الثمرات».

معنای «رزق»

پس از آن تنبیه می‌دهد که اینها رزق برای شما هستند، ثمراتی که در این عالم به حسب باران محقق می‌شود همه رزق انسان هستند و برای استفاده انسان خلق شده‌اند، رزق انسان هم یک معنای عام و جامعی دارد، رزق هم می‌تواند مادی باشد و هم می‌تواند معنوی باشد، ولی در اینجا با توجه به تعابیر قبل آن رزق مادی مراد است نه رزق معنوی، رزق معنوی مثل اینکه گناهان انسان پاک شود و عمل خیر انجام دهد، هدایت شود، به زیارت یا سفر حج موفق شود، اینها رزق معنوی است، لکن در اینجا منظور رزق مادی است، رزق مادی می‌تواند با واسطه یا بی واسطه باشد، می‌تواند خوردنی یا پوشیدنی باشد، رزق فقط خوردنی نیست، لذاست که شما می‌بینید در این آیه خروج ثمرات را به عنوان رزق برای انسان به سبب باران ذکر می‌کند.

ارتباط بخش‌های مختلف آیه

این آیه و آیه قبل چرخه مهم زندگی انسان در این دنیا را بیان می‌کند، کآن می‌گوید ما شما را خلق کردیم و در زمین با این ویژگی یعنی فراش بودن مستقر کردیم و همه چیز در اختیار شما گذاشتیم، دیگر چیزی نیست که از این نعمت‌های ظاهری به صورت کلی بیان نشده

^۱ . سوره نحل، آیه ۶۹.

باشد، ما شما را خلق کردیم، مکانی قرار دادیم که در آن مکان زندگی کنید، و همه امکانات در اختیار شما قرار دادیم، لذا در ادامه در بخش چهارم می‌فرماید «فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أُندَادًا»، که بعداً عرض خواهیم کرد، ولی عمده این است که می‌گوید: ما زمین را فراش قرار دادیم، شما را در این زمین قرار دادیم، باران را نازل کردیم که به سبب باران انواع و اقسام ثمرات، چه میوه و چه غلات و محصولات کشاورزی و چیزهایی که از قبل آنها بتوانید برای خود پوشاک و خانه بسازید و زندگی کنید و از آنها بهره‌برداری کنید، کأن خداوند می‌فرماید همه چیز در اختیار شما قرار داده شده است، این اصول نعمت‌های ظاهری خداوند است، شما نمی‌توانید نعمتی را ذکر کنید که مهم‌تر از این نعمت‌ها در دنیا باشد، برای همین است که این نعمت‌ها را بیان کرده است، وقتی این در یک مجموعه ملاحظه می‌شود می‌بینیم خداوند می‌گوید، من همه چیز را برای شما فراهم کردم، خلقتان کردم و ایجادتان کردم و دنیایی با این وسعت به عنوان فراش که بتوانید آرامش داشته باشید در اختیارتان قرار دادم و با نزول باران هم زمینه استفاده از این زمین برای شما فراهم شد، این مقدمه‌ها را بیان و بعد نتیجه‌گیری می‌کند که بیان خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمين»